

سیاست پرداخت نقدی خسارت در آزادسازی مخازن سدها و پیامدهای اجتماعی و فرهنگی آن (نمونه موردی: سد کوچری)^{۱۰}

علی نوری ثانی^۲، رضاعلی محسنی^۳، مجید کوششی^۴

(تاریخ دریافت ۱۴۰۰/۰۱/۲۲، تاریخ پذیرش ۱۴۰۰/۰۵/۰۸)

چکیده

احداث سدهای مخزنی در شش دهه گذشته زمینه‌ساز جابه‌جایی بیش از ۱۰۰ میلیون نفر از محل زندگی خود شده است. مطابق نتایج بررسی حاضر، در ایران نیز بیش از ۲ میلیون نفر جمعیت تحت تأثیر احداث سدها قرار گرفته‌اند. هدف این پژوهش بررسی آثار و پیامدهای اجتماعی و فرهنگی سیاست پرداخت نقدی خسارت در آزادسازی مخازن سدها، نقد این سیاست و شناسایی عوامل علی، زمینه‌ای، مداخله‌گر، راهبردی و پیامدهای آن بوده است. چارچوب مفهومی پژوهش بر ارزیابی اثرات اجتماعی مبتنی است. روش پژوهش کیفی و از تکنیک نظریه زمینه‌ای استفاده شده است. شرکت‌کنندگان این پژوهش ۳۸ نفر از مطلعان و خبرگان محلی بودند که با پرسش‌نامه نیمه‌ساختمند مورد مصاحبه قرار گرفتند. تجزیه و تحلیل با سه روش کدگذاری باز، محوری و انتخابی در دستور کار قرار گرفت. نتایج حاصل از تحلیل مصاحبه‌ها ۸۲۲

<http://dx.doi.org/10.22034/jss.2021.127209.1416>

• مقاله علمی: پژوهشی

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه است که توسط علی نوری ثانی در گروه جامعه‌شناسی واحد تهران مرکزی دانشگاه آزاد اسلامی انجام شده است.

۲. مدیر گروه/ مدیر پروژه جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، بخش بررسی‌های اجتماعی شرکت مهندسی مشاور مهتاب قدس (نویسنده مسئول)، alinourisany@iauctb.ac.ir

۳. عضو هیئت علمی جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد تهران مرکزی، Rez.mohseni@iauctb.ac.ir

۴. استادیار گروه جمعیت‌شناسی، مدیر گروه جمعیت‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، kooshesh@ut.ac.ir

مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره پانزدهم، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۰: ۱۴۷-۱۱۸

مفهوم کلی، ۱۳۳ مقوله فرعی، ۱۸ مقوله اصلی و ۱ مقوله مرکزی را نشان می‌دهد. یافته‌های پژوهش براساس مدل پارادیمی، ازهم‌گسیختگی ساختار اجتماعی و بافت فرهنگی را در اجرای سیاست پرداخت نقدی خسارت نشان می‌دهد. نتایج حاصل از پژوهش به ضرورت تغییر رویکرد، اصلاح لوایح قانونی، تعیین متولی حوزه اجتماعی و پایش تأثیرات اجتماعی طرح‌ها منتهی شده است.

واژگان کلیدی: تأثیر اجتماعی، نظریه زمینه‌ای، سیاست پرداخت نقدی خسارت، سد، الگوی پارادیمی.

مقدمه و طرح مسئله

به‌رغم اینکه رویکرد تک‌ساحتی در طرح‌های توسعه‌ای، زمینه جابه‌جایی چند میلیون نفر و ازهم‌گسیختگی ساختار اجتماعی و بافت فرهنگی را به همراه داشته است، مدیران و برنامه‌ریزان کماکان هدف از اجرای طرح‌ها را توسعه همه‌جانبه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جوامع قلمداد می‌کنند. از سوی دیگر کارشناسان و دست‌اندرکاران توسعه بر این باورند با وجود صرف هزینه‌های هنگفت در طرح‌های توسعه منابع آب میزان دستیابی به اهداف پیش‌بینی شده نامیدکننده است. این موضوع درحالی است که هر دو گروه مستندات لازم و کافی درمورد فایده - هزینه اجتماعی و فرهنگی و نحوه توزیع آن میان اقشار مختلف جامعه (هم‌گرایی یا واگرایی، فقرزدایی، عدالت اجتماعی یا بی‌عدالتی، ایجاد اشتغال یا ازدست رفتن فرصت‌ها و...) ارائه نکرده‌اند.

در شش دهه گذشته احداث سدهای مخزنی زمینه‌ساز جابه‌جایی بیش از ۱۰۰ میلیون نفر از محل زندگی خود به محل‌های دیگر شده است. براساس داده و اطلاعات کمیسیون جهانی سدها بین سال‌های ۱۹۸۶ تا ۱۹۹۳ سالانه حدود ۴ میلیون نفر به‌علت ساخت سد جابه‌جا شده‌اند (کدیور، ۱۳۸۶). کشور ایران نیز به‌دلیل ایجاد سدهای متعدد شامل ۳۴۹ سد درحال بهره‌برداری، ۱۴۰ سد اجرایی و ۴۸۰ سد مطالعاتی در سطح کشور (شرکت مدیریت منابع آب ایران، ۱۳۹۸) و تحت تأثیر قرار گرفتن بیش از ۲ میلیون نفر جمعیت (نوری ثانی و همکاران، ۱۳۹۸) از آثار و پیامدهای منفی مستثنی نبوده و در بیشتر سدهای در دست مطالعه یا اجرایی موضوع جابه‌جایی سکونتگاه‌های انسانی در محدوده مخازن سدها و به تبع آن پیامدهای منفی اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی موضوعیت داشته است (رحمتی و نظریان، ۱۳۸۹).

محققان و سازمان‌های بین‌المللی که درباره عواقب پروژه‌های توسعه و به‌خصوص سدسازی پژوهش کرده و اقدامات عملیاتی انجام می‌دهند اعتقاد دارند که جابه‌جا شدن مردم به‌صورت

گروهی از محلی به محلی دیگر، مهم‌ترین پیامد اجتماعی پروژه‌های توسعه است که از هشت طریق ازدست دادن زمین، ازدست دادن شغل، خانه‌به‌دوشی، حاشیه‌نشینی، افزایش شیوع بیماری‌ها، عدم امنیت غذایی، فقدان دسترسی به امکانات جمعی و گسستگی اجتماعی موجب به‌مخاطره افتادن شرایط اجتماعی، بر جامعه تحمیل می‌شود (گوگنهایم^۱، ۱۹۹۳؛ سرنیا^۲، ۱۹۹۷). مسئله اصلی در پژوهش، ناپایداری حوزه اجتماعی و فرهنگی کانون‌های جمعیتی تحت‌تأثیر سیاست‌گذاری پرداخت نقدی خسارت است که خود را در وجوه مختلف حاشیه‌نشینی، فقر، بی‌سامانی، احساس بی‌هویتی ناشی از بین‌کن شدن از سرزمین آباء و اجدادی، احساس غبن و زیان، بیکاری، آسیب‌های اجتماعی نمایان ساخته است. آنچه در نظرات و دیدگاه‌های صاحب‌نظران نیز قابل‌ردیابی است اینکه رویکرد پرداخت نقدی خسارت، از هم‌گسیختگی ساختار اجتماعی و بافت فرهنگی را به همراه داشته است.

مقاله حاضر درصدد است با رویکرد تفسیرگرایانه به درک، فهم و بازسازی معنایی (محمدپور، ۱۳۹۰) پیامدهای اجتماعی و فرهنگی سیاست پرداخت نقدی خسارت به خسارت‌دیدگان در آزادسازی مخازن سدها در نمونه موردی سد کوچری بپردازد. در این پژوهش نظرات و دیدگاه افراد متأثر از اجرای طرح درمورد پیامد تغییرات اجتماعی و فرهنگی موردبررسی و تحلیل قرار داده شده است.

پیشینه پژوهش

علی‌رغم اینکه پژوهش انجام‌شده برای نخستین‌بار تأثیرات سیاست پرداخت نقدی خسارت در آزادسازی مخازن سدها را در سه محور کلیدی «ارزیابی پیامدهای اجتماعی و فرهنگی طرح‌ها پس از اجرا و در دوره بهره‌برداری، نقد سیاست پرداخت نقدی خسارت، و چرایی بروز و شکل‌گیری ریسک‌های اجتماعی و فرهنگی این سیاست پس از اجرا و دوره بهره‌برداری» را در دستور کار قرار داده و پژوهش مشابهی در سطح ملی و بین‌المللی همانند آنچه انجام شده است در دست نیست، اما محقق بررسی و ارزیابی سوابق بیش از ۲۵ طرح مهم را در سطح ملی و بین‌المللی در دستور کار قرار داده و با نتایج کسب‌شده تحقیق تطبیق داده است.

هم‌سویی نتایج پژوهش با مهم‌ترین پیامد اجتماعی و فرهنگی پروژه‌های توسعه‌ای شناسایی‌شده توسط گوگنهایم و سرنیا (۱۹۹۷) در سطح بین‌المللی مشتمل بر ازدست دادن زمین، ازدست دادن شغل، خانه‌به‌دوشی، حاشیه‌نشینی، جابه‌جایی فیزیکی از سرزمین

1. Guggenheim; Cernea
2. Cernea

جغرافیایی (آب و اجدادی)، محرومیت از شبکه خدمات اجتماعی، خطر گسترش فقر، به حاشیه رانده شدن، عدم امنیت غذایی، از بین رفتن معیشت و درآمد (حاصل از زمین‌های کشاورزی و غیرکشاورزی) و تغییر در دسترسی و منابع تولیدی، از بین رفتن نظام اجتماعی - فرهنگی و فقدان دسترسی به امکانات جمعی و گسستگی اجتماعی نمایان شده است. نتیجه تحقیقات کمپیل نشان داده است که سد سه دره چین باعث غرقاب شدن ده‌ها سکونتگاه انسانی شهری و روستایی به همراه منابع معیشتی آن‌ها شده و زمینه جابه‌جایی بیش از یک میلیون نفر را فراهم ساخته است. همچنین نتایج پژوهش با مهم‌ترین پیامد اجتماعی اقدامات توسعه‌ای در زمینه صنعت نفت و گاز شناسایی شده توسط علیخواه (۱۳۹۳) همسوست. نتایج بررسی و ارزیابی پیامدهای اجتماعی بارگذاری‌های صنعتی در اجتماع محلی در فازهای ۲۲، ۲۳ و ۲۴ پارس جنوبی که توسط نوری ثانی و همکاران (۱۳۹۱) تهیه شده است، این موضوع را نمایان می‌سازد. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد طرح‌های توسعه مناطق ویژه صنعتی اغلب در مناطقی به اجرا درمی‌آیند که ساختارهای اجتماعی کهن با روابط اجتماعی مستحکم و عمیق، قومیت همگن و تعلق محیطی بالا از یک سو و تحصیلات و مهارت‌های فنی اندک ساکنان، ضعف زیرساخت‌ها و ... از سوی دیگر وجود دارند. تجربه پیشین ایجاد مناطق ویژه اقتصادی و صنعتی نشان می‌دهد که چنین هم‌جواری بدون در نظر گرفتن فرایندهای طرد و ادغام، اغلب به شکل‌گیری تنش‌های اجتماعی، بی‌اعتمادی، تعامل بر پایه منافع متضاد، کنش بازدارنده در قبال طرح و توسعه منطقه، افزایش آسیب‌های اجتماعی، بی‌هویتی و از خودبیگانگی می‌انجامد. انطباق برخی نتایج و یافته‌های مطالعات اجتماعی و جابه‌جایی و اسکان مجدد در مورد پیش‌بینی تأثیرات اجتماعی و فرهنگی طرح‌هایی از جمله لیلان چای، خراجو چای (نوری ثانی و همکاران، ۱۳۸۶)، گتوند (رحمتی، ۱۳۸۹)، کارون ۳، کارون ۴ (جهاد دانشگاهی تهران، ۱۳۸۲)، سیمره، سازبن، خرسان ۲، تنگ معشوره (نوری ثانی و همکاران، ۱۳۹۲)، خداآفرین، گیوی، سردشت (نوری ثانی، ۱۳۹۰)، داریان، و البرز نمایان و مشهود است.

چارچوب مفهومی پژوهش

در بررسی‌های کیفی به جای به‌کارگیری چارچوب نظری برای تدوین و آزمون فرضیه‌ها، از چارچوب مفهومی برای استخراج پرسش یا پرسش‌های پژوهش استفاده می‌شود. چارچوب مفهومی بر مجموعه مفاهیم و موضوعاتی تمرکز داشته و آن‌ها را در قالب نظامی نسبتاً منسجم و مرتبط معنایی به یکدیگر پیوند می‌دهند (ریچی و لوئیس^۱، ۲۰۰۵). چارچوب مفهومی

پژوهش بر ارزیابی تأثیرات اجتماعی مبتنی است. عبارت «ارزیابی تأثیر اجتماعی» در دهه ۱۹۷۰ میلادی در پروژه خط لوله ترانس آلاسکا و در سند سیاست ملی محیط زیستی در آمریکا مطرح شد که ارزیابان تأثیر را وادار می‌کرد تا از علوم طبیعی و اجتماعی به شکل منسجم استفاده کنند و علاوه بر تأثیرات محیطی، تأثیرات اجتماعی را نیز در نظر بگیرند (برج^۱، ۲۰۰۸). ارزیابی تأثیر، فرایند شناسایی آثار و پیامدهای اقدامات توسعه‌ای، پیشنهادی یا در حال انجام است و یک اصل پیشگیرانه یا اصلاحی در نظر گرفته می‌شود (بکر^۲، ۲۰۰۱؛ ونکلی^۳، ۲۰۱۱). از نظر برج و ونکلی (۱۹۹۶) ارزیابی تأثیر اجتماعی را می‌توان به صورت فرایند ارزیابی یا برآورد از قبل پیامدهای اجتماعی تعریف کرد که احتمالاً ناشی از اقدامات سیاسی یا توسعه پروژه، به ویژه در زمینه قوانین سیاست محیطی ایالتی، دولتی و ملی است. تأثیرات اجتماعی شامل تمامی پیامدهای فرهنگی و اجتماعی برای جمعیت‌های انسانی از هر اقدام خصوصی و دولتی است که شیوه‌های زندگی، کار و تفریح و ارتباط آن‌ها با هم، برآوردن نیازها و به صورت کلی اعضای جامعه را تغییر می‌دهد. تأثیرات فرهنگی شامل تغییرات در هنجارها، ارزش‌ها و باورهای افراد می‌شود که شناخت آن‌ها از خود و جامعه را هدایت و عقلانی می‌سازد. فرودنبرگ^۴ (۱۹۸۶) انا را ثمره علم و فرایندفرایندی سیاسی می‌داند و معتقد است می‌توان آن را حوزه‌ای از علوم اجتماعی و عنصری از سیاست‌سازی در نظر گرفت. مسئله اصلی در انا این است که چطور می‌توانیم درون‌داد علمی را در چیزی وارد کنیم که تاحد زیادی سیاسی است. به نظر وسترن و لینچ هر فرایند سیاست‌گذاری شامل چهار مرحله دارد: (۱) صورت‌بندی سیاست‌های گوناگون و جایگزین یکدیگر، (۲) انتخاب یک سیاست برای اجرا، (۳) اجرای سیاست انتخاب‌شده، (۴) ارزیابی و اصلاح. ارزیابی تأثیرات اجتماعی ابزاری برای مرحله دوم است هر چند در مرحله چهارم نیز می‌توان آن را به کار برد (فاضلی، ۱۳۹۱).

ارزیابی پیامد اجتماعی در اصل محصول نزدیک شدن دو حوزه پژوهش علمی و فرایندهای سیاسی است و این امر از همان ابتدا به شکل‌گیری دو گرایش نظری متفاوت در مورد تعریف، اهداف و روش‌های ارزیابی پیامد اجتماعی منجر شد. این دو دیدگاه را محققان با عناوین مختلفی چون رویکردهای فنی و مشارکتی، پژوهشی و مشارکتی، رهیافت اجتماع تعاملی (بکر، ۲۰۰۳)، آمریکایی و کانادایی (فرودنبرگ، ۱۹۸۶)، پیش‌بینانه^۵ و مشورتی^۶ یا تکنوکراتیک و

1. Burdge
2. Becker
3. Vanclay
4. Freudenburg
5. predictive
6. deliberative

مشارکتی (برج، ۲۰۰۴) از هم متمایز کرده‌اند. ارزیابی تأثیر، فرایند شناسایی آثار و پیامدهای اقدامات توسعه‌ای، پیشنهادی یا در حال انجام است و اصلی پیشگیرانه یا اصلاحی در نظر گرفته می‌شود (بکر، ۲۰۰۳؛ ونکلی، ۲۰۱۱).

روش‌شناسی پژوهش

برای تجزیه و تحلیل داده و اطلاعات کسب‌شده از مصاحبه‌ها از روش تحقیق کیفی و تکنیک نظریه زمینه‌ای^۱ استفاده شده است. هر نظریه زمینه‌ای دارای سه بُعد شرایط، تعامل‌ها و پیامدهاست که حول مقوله‌ای هسته ترسیم می‌شود. نظریه زمینه‌ای مشتمل بر سه عنصر اصلی «مفاهیم»^۲، «مقوله‌ها»^۳ و «قضایا»^۴ است. این سه عنصر در جریان تحلیل کدگذاری پدیدار و به یکدیگر متصل می‌شوند. تحلیل داده‌ها برای هر مورد مستلزم ایجاد مفاهیم از طریق فرایندفرایند «کدگذاری باز»^۵، «کدگذاری محوری»^۶ و «کدگذاری انتخابی»^۷ است. در فرایند کدگذاری، واحد تحلیل «مفهوم» است (گلیسر و اشتراوس^۸، ۱۹۶۷؛ اشتراوس؛ کوربین^۹، ۱۹۹۸؛ نیومان^{۱۰}، ۲۰۰۶).

در مرحله کدگذاری باز، مفاهیم اولیه، در مرحله کدگذاری محوری، مقولات عمده و در مرحله کدگذاری گزینشی، مقوله هسته^{۱۱} استخراج می‌شود. این مقوله باید قدرت تحلیلی داشته باشند و دیگر مقولات را نیز در خود جای دهد. کدبندی گزینشی مستلزم بررسی دقیق داده‌ها و کدهای دو مرحله قبلی است. بعد از تعیین مقوله محوری یا هسته، سایر مقولات حول مقوله محوری در قالب یک مدل پارادایمی ترسیم می‌شوند. این مدل که در واقع همان نظریه زمینه‌ای یا نظریه مبتنی بر داده‌هاست باید دارای سه بعد شرایط، تعاملات و پیامدها باشد. دستیابی به اعتبار^{۱۲} و پایایی^۱ در پژوهش‌های کیفی یکی دیگر از مباحث اساسی است. علی‌رغم اینکه اتفاق نظر دقیقی در مورد مفهوم روایی و پایایی در حوزه پژوهش کیفی وجود

1. grounded theory
2. concepts
3. Categories
4. propostions
5. open coding
6. axial coding
7. selective coding
8. Glaser; Strauss
9. Strauss; Corbin
10. Neuman
11. core category
12. validity

ندارد، اما گوبا و لینکلن (۲۰۰۵) قابلیت اعتماد را به‌عنوان معیاری برای جایگزینی روایی و پایایی مطرح ساخته‌اند که متشکل از چهار معیار و مفهوم کلیدی موثق بودن و اعتبار^۲ (باورپذیری)، انتقال‌پذیری^۳، اطمینان‌پذیری^۴ و تأییدپذیری^۵ است.

در پژوهش حاضر برای بخش نظری و مرور ادبیات تحقیق از اسناد و مدارک مستند (گزارش تأثیرات اجتماعی و فرهنگی سدها، نشریات مرتبط با آثار و نقش سدها، قوانین، آیین‌نامه‌ها، بخشنامه‌ها، صورت جلسات، مکاتبات، تصاویر و ...) مرتبط با موضوع و اطلاعات میدانی کسب‌شده از تحلیل مشاهده، مصاحبه و بحث متمرکز گروهی استفاده شده است. گفتنی است در بیشتر مطالعات و تحقیقات اجتماعی استفاده از اسناد و مدارک اجتناب‌ناپذیر است، زیرا هر پدیده اجتماعی یا در گذشته روی داده یا در گذشته ریشه دارد.

شیوه نمونه‌گیری در تحقیقات کیفی، نمونه‌گیری غیراحتمالی است که بدان نمونه‌گیری هدفمند^۶ یا نمونه‌گیری نظری^۷ نیز گفته می‌شود. نمونه‌گیری نظری براساس مفاهیمی صورت می‌گیرد که در خلال تحلیل ظهور می‌یابند. در نمونه‌گیری نظری که مخصوصاً در نظریه زمینه‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرد، می‌توان نه فقط از افراد، بلکه از رویدادها، فضاها، وقایع و موقعیت‌ها نیز نمونه‌گیری کرد (اشتراوس و کوربین، ۱۹۹۰). از نمونه‌گیری هدفمند برای گزینش افراد مور مصاحبه و از نمونه‌گیری نظری برای تشخیص تعداد افراد، تعیین محل داده‌های مور نیاز و یافتن مسیر پژوهش استفاده شده است. نمونه‌گیری کیفی صرفاً شامل نمونه‌گیری از افراد نیست، بلکه می‌تواند شامل نمونه‌گیری از مفاهیم، رویداد و فضا و مکان نیز باشد. مفاهیم و رویدادهای نمونه‌گیری می‌توانند هر چه بیشتر به ظهور یک نظریه زمینه‌ای کمک کنند (کوربین؛ اشتراس، ۲۰۰۸). در نمونه‌گیری کیفی تعداد افراد نمونه را با معیار اشباع نظری تعیین می‌کنند، بدین معنا که زمانی که محقق به این نتیجه برسد که انجام بیشتر مصاحبه و مشاهده، اطلاعات بیشتری در اختیار وی نمی‌گذارد و صرفاً تکرار اطلاعات قبلی است، در این حالت محقق گردآوری اطلاعات را متوقف می‌کند (گابریوم؛ هولشتین^۸، ۲۰۰۱).

1. reliability
2. credibility
3. transferability
4. dependability
5. confirmability
6. purposive sampling
7. theoretical sampling
8. Gubrium; Holstein

بنابراین جمع‌آوری داده‌ها تا هنگامی که مقوله‌های اصلی ظاهر شوند ضروری است. بنابراین نمونه‌گیری نظری تا هنگامی که مقوله‌ها به «اشباع نظری»^۱ برسند، ادامه پیدا خواهد کرد. برای انجام بخش میدانی این تحقیق، مطالعات اولیه از سال ۱۳۹۶^۲ آغاز و طی آن مشاهدات و مصاحبه‌های آغازین انجام شده است. در این فرصت تلاش بر این بوده است برای افزایش حساسیت نظری، از هر فرصت برای اطلاع از تحقیق خود با حضور در کارگاه‌های آموزشی، همایش‌ها، نشست‌های تخصصی، گردهمایی‌ها مرتبط با تأثیرات اجتماعی و فرهنگی و نحوه برخورد با آزادسازی منابع محدوده مخازن سدها در داخل و خارج کشور استفاده شود. مطالعات اولیه با انجام «مصاحبه اکتشافی» از کارشناسان امور اجتماعی و خبره طرح‌های توسعه منابع آب در ستاد وزارت نیرو، شرکت مدیریت منابع آب ایران، شرکت توسعه منابع آب و نیروی ایران، شرکت‌های آب منطقه‌ای، کارشناسان شرکت‌های مهندسی مشاور به تعداد ۲۰ نفر انجام شد. همچنین، سوابق مطالعات اجتماعی، خسارت مخزن و جابه‌جایی و اسکان مجدد انجام‌شده توسط محقق مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفت.^۳

با تعیین سؤال‌های اصلی و در چارچوب بررسی در سال ۱۳۹۷، با توجه به محدودیت امکانات در اختیار محقق برای انجام مطالعات میدانی، گردآوری داده‌ها از طریق انجام «مصاحبه‌های نیمه‌ساختار یافته» در روستاهای محدوده مخزن سد کوچری^۴ (روستای کوچری و عباس‌آباد) به تعداد ۳۸ نفر انجام شد. مطالعات میدانی تحقیق حاضر در ۴ سفر و بیش از ۲۵ نفر روز انجام گرفت.

^۱ theoretical saturation

^۲ موضوع مورد بررسی دغدغه بیش از یک دهه نویسنده اصلی مقاله بوده و علیرغم پیگیری از مراجع و نهادهای مرتبط، در راستای بسترسازی جهت تغییر رویکردها و نهادینه شدن آن، این مهم را در قالب رساله دکتری در دستور کار قرار داده است.

^۳ نویسنده اصلی مقاله تجربه مشارکت در بررسی و ارزیابی تأثیرات اجتماعی و فرهنگی بیش از ۱۰۰ پروژه در سطح ملی و بین‌المللی را در زمینه طرح‌های توسعه منابع آب و انرژی در کارنامه خود دارد.

^۴ در سد کوچری فقط روستای کوچری در داخل مخزن قرار گرفته و جابه‌جا شده و روستای عباس‌آباد در حاشیه مخزن سد قرار گرفته است.

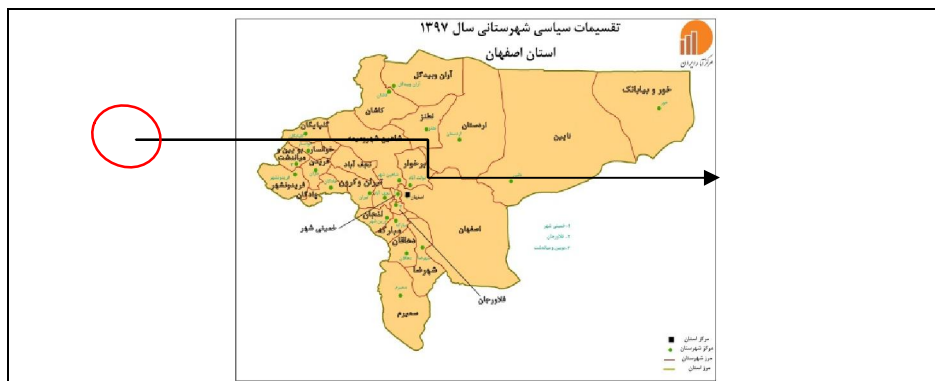
جدول ۱. مشخصات مشارکت کنندگان و مصاحبه شوندگان

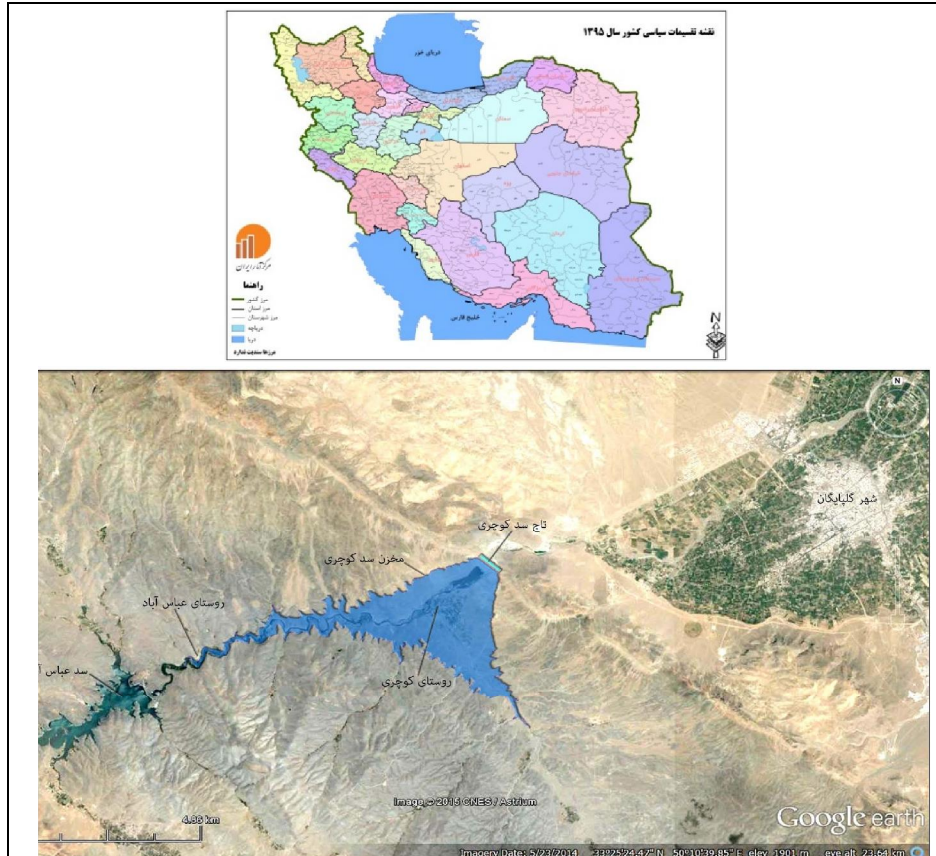
شماره مصاحبه شونده	جنسیت	سن	تحصیلات	نوع کار و فعالیت
۱	مرد	۶۲	لیسانس	بازنشسته
۲	مرد	۳۹	فوق لیسانس	کارمند
۳	زن	۴۷	ابتدایی	خانه دار
۴	مرد	۴۸	دیپلم	کارمند
۵	مرد	۷۳	بیسواد	کشاورزی و دامداری
۶	زن	۲۰	دیپلم	مغازه دار
۷	مرد	۷۵	خواندن و نوشتن	کشاورزی و دامداری
۸	زن	۴۲	دیپلم	کارمند
۹	مرد	۳۷	سیکل	دامداری
۱۰	مرد	۵۹	لیسانس	بازنشسته
۱۱	زن	۱۸	دیپلم	خانه دار
۱۲	زن	۷۶	بی سواد	خانه دار
۱۳	مرد	۳۵	دیپلم	کارگری
۱۴	مرد	۴۷	سیکل	کشاورزی و دامداری
۱۵	مرد	۴۵	دیپلم	رانندگی
۱۶	مرد	۶۸	بیسواد	کشاورزی و دامداری
۱۷	مرد	۳۹	دیپلم	کارگری
۱۸	مرد	۴۸	دیپلم	کشاورزی و دامداری
۱۹	مرد	۵۷	بیسواد	کشاورزی و دامداری
۲۰	زن	۴۲	بیسواد	خانه دار
۲۱	مرد	۶۲	ابتدایی	کشاورزی و دامداری
۲۲	مرد	۵۲	خواندن و نوشتن	کشاورزی و دامداری
۲۳	زن	۳۸	فوق دیپلم	کشاورزی
۲۴	مرد	۴۵	دیپلم	دهیار
۲۵	مرد	۵۵	سیکل	کشاورزی و دامداری
۲۶	مرد	۵۱	ابتدایی	کشاورزی و دامداری
۲۷	مرد	۶۹	بیسواد	کشاورزی و دامداری
۲۸	زن	۲۳	دیپلم	خیاطی
۲۹	زن	۴۰	ابتدایی	خانه دار
۳۰	مرد	۵۱	راهنمایی	کشاورزی و دامداری
۳۱	مرد	۳۳	لیسانس	کشاورز(شورا)

شماره مصاحبه شونده	جنسیت	سن	تحصیلات	نوع کار و فعالیت
۳۲	مرد	۴۷	راهنمایی	کشاورزی و دامداری
۳۳	زن	۳۸	ابتدایی	خانه دار
۳۴	مرد	۸۲	بیسواد	کشاورزی و دامداری
۳۵	زن	۳۲	دیپلم	خانه دار
۳۶	مرد	۵۵	سیکل	کشاورزی و دامداری
۳۷	زن	۶۷	بیسواد	خانه دار
۳۸	زن	۳۸	سیکل	خانه دار

میدان پژوهش

میدان پژوهش، سکونتگاه‌های انسانی، خانوارها و افرادی هستند که به‌نحوی با اجرای طرح تحت‌تأثیر قرار گرفتند. سد کوچری در شهرستان گلپایگان استان اصفهان و در ۸ کیلومتری شهر گلپایگان واقع شده است. با توجه به مشخصات فنی سد کوچری، نقشه‌های موجود و بررسی‌های صورت‌پذیرفته، با احداث و آبرگیری این سد، روستای کوچری در داخل مخزن و روستاهای عباس‌آباد و ماکوله به‌دلیل تحت‌تأثیر قرار گرفتن بخشی از اراضی کشاورزی و جاده‌های دسترسی در حاشیه مخزن سد واقع شده‌اند.





شکل ۱. موقعیت جغرافیایی محدوده سد کوچری (استان اصفهان و شهرستان گلپایگان)

ارائه یافته‌ها و تجزیه و تحلیل و تفسیر آن‌ها

به منظور پاسخ‌گویی به سؤال اصلی پژوهش که الگوی آثار و پیامدهای اجتماعی و فرهنگی سیاست پرداخت نقدی خسارت در آزادسازی مخازن سدها در ایران چگونه است و عوامل علی و شرایط تأثیرگذار زمینه‌ای آن کدام‌اند، مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با متخصصان در حوزه طرح‌های توسعه منابع آب و مردم تحت‌تأثیر در نمونه موردی (مردم تحت‌تأثیر سد کوچری) انجام شد و سؤالاتی همانند ساخت سد چه آثار و پیامدهای اجتماعی و فرهنگی (به هم ریختگی ساختار اجتماعی، ازهم‌گسیختگی بافت فرهنگی، پراکندگی گروه‌های خویشاوندی، گسست فرهنگ یاریگری، بی‌سامانی خوش‌نشین‌ها، بی‌اعتمادی و ...) برای مردم تحت‌تأثیر برجای می‌گذارد؟، نظام روابط اجتماعی، الگوهای معیشت، ساختار مالکیت و اسکان مردم

تحت تأثیر پروژه چه تغییری می‌پذیرد؟، جابه‌جایی چگونه بر فرهنگ، آداب و رسوم و ارزش‌های جابه‌جای شوندگان تأثیر می‌گذارد؟ و سیاست پرداخت نقدی خسارت در آزادسازی مخازن سدها چه تأثیرات اجتماعی و فرهنگی به همراه دارد؟، از مشارکت‌کنندگان پرسیده شد. تمامی مصاحبه‌ها به صورت کامل ضبط و پیاده‌سازی شدند.

به منظور تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌های انجام‌شده، براساس طرح سیستماتیک مطرح‌شده از اشتراوس و کوربین (۱۹۹۰) سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی در دستور کار قرار گرفت که در نهایت به عرضه پارادایم منطقی از نظریه در حال پدیدار شدن انجامید. در مرحله اول یعنی کدگذاری باز، ابتدا مصاحبه‌ها به صورت سطر به سطر بررسی شدند و مفاهیم اصلی، ویژگی‌ها و ابعاد مشخص شدند. کدهایی را که در این مرحله پدید می‌آیند کدهای توصیفی می‌نامند. یعنی این کدها صرفاً توصیف داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها است و هنوز قدرت تبیین ندارند و صرفاً برچسب‌هایی برای وقایع و پدیده‌ها هستند. در این مرحله با تحلیل مصاحبه‌ها ۸۲۲ کد باز به دست آمد که به صورت طیف‌های مفهومی اولیه مشخص شد. در مرحله دوم یعنی کدگذاری محوری کدهای اولیه براساس شباهت و تفاوتشان با سایر کدهای پدیدار شده در یک دسته یا مقوله قرار گرفتند. یعنی موارد مشابه با هم ادغام شده و مقوله‌های مرتبط با هم در یک محور مشترک قرار گرفتند. این کدها یا کدهای جنینی یا زنده بودند؛ یعنی کدهایی که مشارکت‌کنندگان در مصاحبه‌های خود آن‌ها را مطرح کرده بودند یا براساس اشتراکات ایجاد شدند. در این مرحله یکی از مقوله‌های کدگذاری باز انتخاب و سایر مقوله‌ها به آن ارتباط یافتند. با انجام این فرایند تعداد هجده کد محوری مرتبط به سیاست پرداخت نقدی خسارت به دست آمد. پس از مشخص شدن کدهای محوری، فرایند کدگذاری انتخابی یعنی مشخص شدن ارتباط بین این مقوله‌ها انجام شد. در این مرحله به منظور طراحی الگوی پارادایمی (نوع پیشنهادی اشتراوس و کوربین)، یک مقوله که فرایند الگوی آثار و پیامدهای اجتماعی و فرهنگی سیاست پرداخت نقدی خسارت در آزادسازی مخازن سدها در ایران را نمایان می‌کرد، به عنوان مقوله اصلی در نظر گرفته شده و ارتباط بقیه مقوله‌ها با آن تعیین شد. در طراحی پارادایم، شش بُعد اصلی شامل شرایط علی، زمینه‌ای، میانجی و مداخله‌گر، کنش و تعامل (راهبردها)، پیامدها و مقوله اصلی مد نظر قرار گرفتند.

شرایط علی سیاست پرداخت نقدی خسارت

شرایط علی مؤلفه‌هایی هستند که بر مقوله اصلی تأثیر می‌گذارند. برپایه مصاحبه‌های انجام‌شده با متخصصان حوزه طرح‌های توسعه منابع آب و مردم تحت تأثیر اجرای طرح،

شرایطی که بر فرایند سیاست پرداخت نقدی خسارت تأثیر می‌گذارند عبارت‌اند از: رویکرد فنی - مهندسی (اقتصادمحور)، ملاحظات حقوقی - قانونی و بی‌اعتمادی. براساس نظرات و دیدگاه مشارکت‌کنندگان، در زمینه امور اجتماعی - فرهنگی طرح‌های توسعه منابع آب، رویکرد و نگاه تقلیل‌گرایانه وجود دارد و توجه به ابعاد فنی کالبدی بر ابعاد اجتماعی در برنامه‌ریزی‌ها رجحان دارد. علی‌رغم سپری شدن بیش از چهار دهه از اعمال لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی و املاک سال ۱۳۵۸ و بروز چالش‌های اجتماعی در طرح‌های توسعه منابع آب، کماکان دیدگاه فن‌سالارانه و رویکرد حقوقی - قضائی حکم‌فرماست. چنین رویکردی به‌رغم تحول قابل‌ملاحظه در حوزه دانشی و آگاهی‌های عمومی (تغییر رویکردهای قابل‌ملاحظه دهه ۱۳۹۰ نسبت به دهه ۱۳۵۰) کماکان تداوم دارد. براساس مصاحبه‌های انجام شده از اعتماد اجتماعی هم به محققان اجتماعی و هم به متولیان امر و مجریان طرح‌ها کاسته شده است. آقای با ۶۲ سال سن و تحصیلات کارشناسی در زمینه بی‌اعتمادی مردم به متولیان طرح این طور می‌گوید:

یک سری صحبت‌هایی اول کار می‌کنند، ولی در اجرا و عمل تناقض دارد. هیچ کدام درست نیست. روز اول گفتند زمین واگذار می‌کنیم به شما این امکانات می‌دهیم تسهیلات می‌دهیم وقتی کار شروع شد انگار سیصد و شصت درجه همه چیز برگشت. از سال ۸۷ و ۸۸ آمدند جلساتی برگزار کردند و امضا حاضران و مستندات هست، صورت‌جلساتی تنظیم کردند به یکی این صورت‌جلسات عمل نکردند، این مردم مظلوم بودند ... ابتدا ۳ تا ۴ منطقه برای ما تعیین کردند یکی‌اش به نام رباط زیلیا دیگری نزدیک تصفیه‌خانه گلپایگان، سومی هم دشت بالای رکابدار در حاشیه مخزن سد کوچری و چهارمی هم منطقه نیوان نزدیک کارخانه پگاه گلپایگان اما فقط در حد حرف بود و ...

کارگری ۳۵ ساله و راننده ای ۴۵ ساله با تحصیلات دیپلم در زمینه رویکرد قانونی و حقوقی پرداخت خسارت برای مردم این طور می‌گوید:

وقتی پرداخت خسارت به صورت نقدی باشه، فقط کسانی که اسناد مثبت دارن خسارت می‌گیرن، پس مابقی چی؟ یه نفری که تمام عمرشو در این روستا گذرونده، اصلاً چندتا نسلش، حقوق عرفی پس چی میشه؟ باید دستش خالی باشه، یه نفر بیاد چندین میلیارد بگیره یه نفر هم هیچ چی! حدود چهل خانوار خوش‌نشین بودند، این خوش‌نشین‌ها از قبل

کار روی زمین دیگران امرار معاش می‌کردند، وقتی کوچری وجود نداشته باشد اینام دیگه در آمدشون روز دست میدن و

جدول ۲. شرایط علی سیاست پرداخت نقدی خسارت در آزادسازی مخازن سدها

شرایط علی	کدهای باز
رویکرد فنی - اقتصادی	نگاه بروکراتیک و از بالا به پایین به پروژه‌های توسعه‌ای، اسکان مجدد بدون منابع معیشت جایگزین، اسکان مجدد با رویکرد کالبدی، تحمیل نگرش برنامه‌ریزان به مردم، کم‌اهمیت بودن ابعاد اجتماعی و فرهنگی در برنامه‌ریزی‌ها، ساده‌انگاری امر اجتماعی - فرهنگی، غلبه رویکرد فنی و مهندسی و لحاظ نکردن طرح توسعه آتی برای ساخت روستای جدید.
ملاحظات حقوقی - قانونی	سیطره لایحه قانونی تملک ۱۳۵۸ در استملاک اراضی و املاک، بی‌توجهی به دستورالعمل و آیین‌نامه‌ها، توجه صرف به حقوق قانونی و اسناد مثبت، نادیده گرفتن حقوق عرفی، اختلاف در نوع مالکیت اراضی، طولانی شدن فرایندفرایند استملاک اراضی، انتفاع و بهره‌مندی مالکان غیرساکن، تصرف اراضی با قوه قهریه و بدون رضایت (اعتراض، قوه قهریه، نارضایتی، بازداشت در فرایند تملک اراضی)، عدم پرداخت حق آوارگی و فقر و ایجاد بدهی به‌دلیل از دست رفتن منابع و تقسیم پول بین وراث.
بی‌اعتمادی	انجام مطالعات اجتماعی اجمالی و سطحی، عدم بازخورد نتایج به مردم، شکاف مردم و دولت یعنی آن‌ها فعالیت‌های دولتی را از خود نمی‌دانند، عدم اعتماد به مجریان، ناکارآمد بودن این‌گونه فعالیت‌ها در طول زمان و در نتیجه رشد بی‌اعتمادی.

زمینه (بستر) سیاست پرداخت نقدی خسارت

زمینه یا بستر شرایط ویژه‌ای است که بر راهبردها تأثیر دارد. فقدان امور متولی جهت پیگیری، تمرکز بر پرداخت نقدی خسارت، نبود پایش و ارزیابی پس از اجرا و در دوره بهره‌برداری از طرح به‌منظور اطلاع از دامنه تأثیرات اجتماعی و فرهنگی سیاست اتخاذ و اعمال شده و انجام مطالعات توسط غیرمتخصصان بر تعمیم سیاست پرداخت نقدی خسارت و اجرایی شدن کاربست آن تأثیر دارند. یافته‌های حاصل از مطالعاتی میدانی و نتایج بررسی و تحلیل مصاحبه‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که در اجرای سیاست پرداخت نقدی خسارت، علاوه بر پیگیری مستمر مبنی بر ضرورت ارزیابی تأثیرات اجتماعی و فرهنگی طرح‌ها، الزام قانونی و

حقوقی درمورد وجود متولی پیگیری حوزه اجتماعی و پایش و ارزیابی تأثیرات، یک موضوع بسیار مهمی قلمداد می‌شود. به‌زعم مشارکت‌کنندگان در فرایند مطالعات میدانی و در جریان مصاحبه‌ها، در ارزیابی تأثیرات اجتماعی و فرهنگی طرح‌ها از کارشناسان غیرتخصصی یا متخصص کم‌تجربه و ناآشنا به حوزه طرح‌های توسعه منابع آب استفاده می‌شود که خود به اتخاذ سیاست جبران خسارت وارده به‌صورت پرداخت نقدی منجر می‌شود. آقایی با ۳۹ سال و با تحصیلات کارشناسی ارشد در زمینه ضرورت پایش و ارزیابی وعده‌های داده شده چنین عنوان می‌کند:

اگه پرداخت خسارت هم به‌صورت پول باشه بایستی مشاوره به مردم داده می‌شد تا بتوانند سرمایه‌گذاری بکنن، دولت سعی بکنه تو بحث اجرایی سدها، بحث مسائل اجتماعیش به‌صورت جدی دیده بشه

جدول ۳. زمینه سیاست پرداخت نقدی خسارت در آزادسازی مخازن سدها

کدهای باز	زمینه (بستر)
فقدان امور متولی جهت پیگیری مطالعات اجتماعی و فرهنگی طرح‌ها در وزارت نیرو، فقدان سازمان و نهاد مسئول مستقل در حوزه تأثیرات اجتماعی طرح‌ها، فقدان نهادهای واسطه‌ای مدافع حقوق شهروندان، محدودیت اختیارات قانونی دهیاری روستاها و شوراهای اسلامی، فاصله محقق و مردم به‌دلیل فقدان این نهادها، شرکت‌ها و مشاوران ارزیابی تأثیرات اجتماعی و فرهنگی (واسطه کارفرما و مردم)	فقدان امور متولی
تمرکز بر ابعاد فنی و مهندسی/ حقوقی و قضائی، غلبه رویه قانونی بر رهیافت مشارکتی، به‌هنگام نبودن قوانین متناسب با تغییر رویکردها و تحول در حوزه دانشی و آگاهی‌های عمومی، فقدان نظارت بر مراحل اجرای کاربست و مدیریت پیامدها، تمرکز بر ابعاد صوری و فرمال، فقدان جلسات تخصصی جهت تحویل گزارش، فقدان نهادهای نظارتی در حوزه اجتماعی	نبود پایش و ارزیابی
ناآشنایی متخصصان علوم اجتماعی با مسائل و موضوعات تخصصی در بخش آب، کمبود کارشناسان مجرب در بخش آب و در نتیجه انجام و کنترل مطالعات اجتماعی در برخی موارد توسط افراد غیرمتخصص، عدم اعتقاد به اثربخشی مطالعات اجتماعی و در نتیجه کم‌توجهی به اهمیت ایجاد ظرفیت‌های لازم در شرکت‌های مهندسی مشاور، تشکیلات کارفرمایی و شرکت‌های پیمانکاری و ناکارآمد شدن کاربست به‌دلیل عدم تفکر بین‌رشته‌ای	انجام مطالعات توسط غیرمتخصصان

شرایط میانجی و مداخله‌گر سیاست پرداخت نقدی خسارت

کارآمد نبودن مطالعات اجتماعی و بی‌توجهی به نتایج مطالعات اجتماعی و عدم توافق بر سر معنای امر اجتماعی - فرهنگی، زمینه را برای عدم استفاده از نتایج فرایند اجرای آن‌ها فراهم می‌کنند. یافته‌های پژوهش نشان داد که شرایط برنامه‌ریزان به‌عنوان تصمیم‌گیرندگان اصلی برای مسائل طرح‌های توسعه منابع آب، کارآمد نبودن ارزیابی تأثیرات اجتماعی از یک‌سو و بی‌توجهی به حوزه اجتماعی از سوی دیگر و همچنین پیچیده بودن امر اجتماعی و فرهنگی و عدم علاقه‌مندی مجریان طرح‌ها جهت ورود به این حوزه و از همه مهم‌تر عدم پاسخ‌گویی و مسئولیت‌ناپذیری متولیان امر از شرایط مداخله‌گر اصلی در این زمینه هستند. آقای با ۵۹ سال سن، بازنشسته و با تحصیلات کارشناسی در زمینه مسئولیت‌پذیری دولت در قبال مردم تحت تاثیر طرحها می گوید:

قبل از اینکه روستا را خالی کنیم قرار شد یک مقدار زمین بدهند، قرار شد خود سازمان آب کارهای زیربنایی را انجام بدهد، خدمات‌رسانی و کارهایش را انجام بدهد. یک کم پروژه زمان برد، پول مردم را ندادند گفتیم زودتر پول بدهید مردم بتوانند پول نقد دستشان می‌آید هزینه کنند، اما اتفاق نیفتاد ...

کشاورزی و دامداری با ۷۵ سال سن و با تحصیلات خواندن و نوشتن و خانمی ۶۷ ساله، خانه دار و بیسواد در زمینه بی توجهی به خواسته‌های مردم چنین می گوید:

کوچری را با رضایت خالی نکردیم، نصف خانه‌ها، خیلی‌هاشون که به قول خودمون گفتند نمی‌تونیم خالی کنیم تا رضایت ما را به جا نیاورند خالی نمی‌کنیم. تا قم هم رفتند بهشون جواب ندادند. گفتند ما رضا نیستیم بعضی‌ها را به زور خالی کردند، رضایت نداشتند ...

جدول ۴. شرایط مداخله‌گر سیاست پرداخت نقدی خسارت در آزادسازی مخازن سدها

شرایط مداخله‌گر	کدهای باز
ضعف حکم‌روایی	برنامه‌ریزان به‌عنوان تصمیم‌گیرنده، ناباوری به مشکلات مردم در طرح‌ها، تصمیم‌گیری‌های از بالا به پایین، بروکراسی ساختاریافته، عدم اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی به مردم، عدم اعتقاد مدیریت طرح‌ها و پروژه‌ها به ارزیابی تأثیرات اجتماعی و فرهنگی.
کارآمد نبودن مطالعات اجتماعی	مؤثر و کارآمد نبودن پژوهش‌های اجتماعی، بی‌توجهی به نتایج پژوهش‌ها در برنامه‌ریزی، عدم توافق بر معنای امر اجتماعی فرهنگی، در نظر گرفتن محققان ارزیابی تأثیرات اجتماعی همانند پیمانکاران پروژه‌های فنی.

پدیده محوری سیاست پرداخت نقدی خسارت

نتایج مصاحبه با مجریان، متخصصان حوزه طرح‌های توسعه منابع آب و مردم تحت تأثیر اجرای طرح نشان داد که اجرای سیاست پرداخت نقدی خسارت به‌رغم تحمیل هزینه‌های بالای اجتماعی بر نظام حکمرانی و زمینه‌سازی برای ازهم‌گسیختگی ساختار اجتماعی و بافت فرهنگی جوامع تحت تأثیر مستقیم، کماکان تداوم دارد. اصولاً سیاست پرداخت نقدی خسارت، تنش و اختلافات خانوادگی، تعارض اجتماعی، ناهنجاری اجتماعی، بی‌اعتمادی، کاهش همیاری و گسست در فرهنگ یاریگری، ازبین رفتن آثار تاریخی و میراث فرهنگی، محدودیت در دسترسی‌ها و ارتباطات، ازدست دادن سرمایه و فساد مالی، فروپاشی اقتصاد محلی و نظام تولید، گسست در نظام خویشاوندی، ازبین رفتن پتانسیل گردشگری، تغییر سبک زندگی، بهداشت و سلامت، بی‌سامانی خوش‌نشین‌ها و تک‌ساحتی بودن منافع طرح را به همراه داشته است. یکی از نکات مهمی که بیشتر مشارکت‌کنندگان و مصاحبه‌شوندگان در زمینه پرداخت نقدی خسارت به آن اشاره کرده‌اند این است که اتخاذ این سیاست در محدوده مخزن سد کوچری بدون ارائه مشاوره مالی جهت سرمایه‌گذاری و توانمندسازی مردم محلی، زمینه‌ساز بروز مشکلات عدیده اجتماعی و ازهم‌گسیختگی اجتماعی و فرهنگی شده است. کشاورز و دامداری با ۷۳ سال سن و بدون سواد به این نکات اشاره کردند:

من سی و هفت سال اینجا کشاورزی کردم، چهل سال پیش امکان نداشت همسایه‌ات گرسنه باشد و شما بی‌خبر باشی، امکان نداشت شما یک میوه داشته باشی بعد بگویی به آن ندهم. آن‌هایی که ضعیف بودن، کسانی که داشتن کمک می‌کردند قبل از اینکه این سد ایجاد بشود، رابطه مردم کوچری با هم دیگر خیلی خوب بود، به‌الله قسم بسیار مردم مهربانی، باغ داشتند، یک چیز زبانزد این منطقه بود من این را همه جا می‌گویم (یک روز داشتم می‌رفتم داخل باغی انگور بچینم دیدم صاحب باغی خدا رحمتش کند مرده می‌نشیند بلند می‌شود، گفتم مشتی آقا رضا چرا این کارها را می‌کند، گفتم مشتی آقا رضا چی شده، گفت بنشین بنشین این بنده خدا آمده در باغ ما انگور بچیند بگذار بچیند که ما را نبیند خجالت بکشد، نشستیم آقا سبد انگورش را چید و گذاشت عقب ماشین و رفت گفت حالا بیا برویم)، اینجور مردمی داشت. خیلی مهربان بودند....

جدول ۵. فرایند سیاست پرداخت نقدی خسارت در آزادسازی مخازن سدها

کدهای باز	پدیده محوری
تنش و اختلافات خانوادگی، تعارض اجتماعی، ناهنجاری اجتماعی، بی‌اعتمادی، کاهش همیاری و گسست در فرهنگ یاریگری، ازبین رفتن آثار تاریخی و میراث فرهنگی، محدودیت در دسترسی‌ها و ارتباطات، ازدست دادن سرمایه و فساد مالی، فروپاشی اقتصاد محلی و نظام تولید، مشکلات (نقص) قوانین، گسست در نظام خویشاوندی، گردشگری، تغییر سبک زندگی، بهداشت و سلامت، بی‌سامانی خوش‌نشین‌ها و تک‌ساحتی بودن منافع طرح	ازهم‌گسیختگی ساختار اجتماعی و بافت فرهنگی

راهبردهای سیاست پرداخت نقدی خسارت

کنش و تعامل (راهبردها)، کنش‌های عامدانه هستند که برای حل هر مسئله انجام می‌شوند و با صورت گرفتن آن‌ها پدیده شکل می‌گیرد. با استناد به بررسی‌های میدانی و تحلیل نتایج مصاحبه‌ها دو راهبرد، مجریان توانمند و کارآمد و قوانین، بخشنامه و آیین‌نامه الزام‌آور در اجرایی شدن سیاست پرداخت نقدی خسارت استنتاج شدند. در شرایط کنونی با استناد به اسناد بالادستی، فقط تعداد معدودی از مجریان توانمند، کارآمد و باتجربه در راستای مدیریت تنش‌های اجتماعی طرح‌ها و در جهت پایداری سکونتگاه‌های انسانی تحت‌تأثیر اجرای طرح‌ها اقدام می‌کنند. راهبرد اصلی دیگر اصلاح قوانین، بخشنامه و آیین‌نامه الزام‌آور است که از چند بُعد، اجرایی نشدن سیاست پرداخت نقدی خسارت را به‌عنوان یگانه گزینه بدیل تسهیل می‌کند. با اصلاح قوانین، بخشنامه و آیین‌نامه انجام بررسی‌های اجتماعی پروژه‌ها در مراحل مختلف (مطالعاتی، اجرایی و دوره بهره‌برداری) عملیاتی می‌شود، رویکرد مشارکتی (انتخاب آگاهانه و آزادانه و نه الزماً براساس قوانین یک‌سویه) درمورد نحوه جبران خسارت در دستور کار قرار می‌گیرد، با اصلاح قوانین علاوه بر عملیاتی شدن موضوع ارزیابی و پایش تأثیرات طرح بر محیط اجتماعی و فرهنگی، مسئول و متولی این امر هم تعیین می‌شود و درنهایت پایداری جوامع تحت تأثیر طرح‌ها با مطالبه‌گری مردم متأثر تحقق می‌یابد. بدیهی است اگر راهکار پیشنهادی درمورد آزادسازی مخازن سدها، درنهایت به سیاست پرداخت نقدی خسارت هم مختوم شود، بایستی مشاوره‌های لازم درمورد چگونگی انجام سرمایه‌گذاری و همچنین توانمندسازی در راستای دستیابی به اشتغال پایدار در دستور کار قرار گیرد.

جدول ۶. راهبردهای سیاست پرداخت نقدی خسارت در آزادسازی مخازن سدها

راهبردها	کدهای باز
مجریان توانمند	واگذاری مسئولیت بر مبنای شایستگی، توانمندی و ضوابط و نه روابط، اهمیت به خلاقیت مجریان در حین اجرای پروژه (باتوجه به اینکه هر پروژه ویژگی‌های خاص خود را دارد)، واگذاری مسئولیت ناشی از اجرای کار بست به مجری، رتبه‌بندی مجریان بر اساس دستاوردها.
قوانین، بخشنامه و آئین‌نامه الزام‌آور	به‌هنگام نبودن قوانین متناسب با تغییر رویکردها و تحول در حوزه دانشی و آگاهی‌های عمومی، نبود دستورالعمل، راهنما، شرح خدمات جامع و استاندارد برای مراحل مختلف مطالعاتی و اجرایی، وضع الزام قانونی برای اجرای کار بست ارزیابی تأثیرات اجتماعی و فرهنگی، به رسمیت شناخته شدن حقوق مالکیت افراد نسبت به مسائل ناشی از پروژه که بر زندگی آن‌ها تأثیر دارد، قانونی شدن مطالبه حقوق شهروندی، شکل‌گیری نهادهای مدافع حقوق اجتماع‌های محلی، شکل‌گیری الزام دوسویه برای ارزیابی تأثیرات اجتماعی و فرهنگی از سوی جوامع و کارفرما.

پیامدهای اجرای سیاست پرداخت نقدی خسارت

آخرین بُعد یک مدل پارادایمی، پیامدهاست. کنش و واکنش‌هایی که در پاسخ به پدیده با مدیریت کردن آن صورت می‌گیرد، پیامدهایی را دربر خواهد داشت. با استناد به بررسی‌های میدانی و تحلیل نتایج مصاحبه‌های صورت‌گرفته، پیامدهای حاصل از اجرای سیاست پرداخت نقدی خسارت عمدتاً بر پیامدهای منفی متمرکز هستند. کاهش تعلقات فرهنگی و سرزمینی، ازهم‌گسیختگی بافت فرهنگی، ایجاد گسست در گروه‌های خویشاوندی و شبکه‌های غیررسمی اجتماعی، ازهم‌گسیختگی ساختار اجتماعی، تأثیر بر آثار تاریخی و میراث فرهنگی و گردشگری، کاهش همیاری، فروپاشی اقتصاد محلی و نظام تولید، خدشه‌دار شدن سرمایه اجتماعی (بی‌اعتمادی)، تغییر سبک زندگی، بروز آسیب‌های اجتماعی، اختلافات و درگیری خانوادگی، محدودیت در دسترسی، ازدست دادن سرمایه، بی‌سامانی خوش‌نشین‌ها و فساد مالی در زمره پیامدهای منفی حاصل از اجرای سیاست پرداخت نقدی خسارت شناسایی شدند. تداوم ارزیابی و پایش تأثیرات اجتماعی و فرهنگی پس از اجرای طرح‌ها می‌تواند علاوه بر مداخله و افزایش توجه به جوامع محلی درمورد آثار و پیامدهای اقدامات توسعه‌ای، زمینه شکل‌گیری فضای گفت‌وگو بین جامعه‌شناسان، مهندسان و مجریان طرح‌ها در زمینه ابعاد،

دامنه و شدت تأثیرات اجتماعی و فرهنگی اجرای طرح‌ها را فراهم سازد. دهیار روستا با ۴۵ سال سن و با تحصیلات دیپلم در زمینه جلاء وطن و خلاء ناشی از بن کن شدن از محیط روستا چنین توصیفی دارد:

انگار یک قناری را از طبیعت بگیری ببری در قفس، این افراد مسن این شکلی هستند وقتی این را گرفتی بردی گذاشتی در شهر، بهترین شرایط این است بتواند برود پارک، تازه پارک همه را نمی‌شناسد غریبه است یا می‌نشیند در خانه‌اش بعد از مدتی دچار مشکلات عدیده می‌شود من یه آماری گرفتم حدود ۴۰ درصد پیرزن پیرمردهایی که از آنجا آواره شدند ظرف مدت دو الی سه سال تموم شده کارشون، فوت کردند، یعنی آمارش دقیق هست پدر و مادرهایی که دم در خونه‌شون می‌نشستند گاو و گوسفند و صحراشونو می‌دیدند لب رودخانه شونو می‌دیدند آوردیم کردیمشون تو مجموعه آپارتمانی و غریبشون کردیم شما الان یه موجود زنده تو بیابون بگیر ببر بزار تو قفس، می‌میره دیگه دقیقاً این اتفاق برای این‌ها افتاد این هم یکی از اثرات منفی ...

کشاورزی با تحصیلات سیکل و ۵۵ سال سن در خصوص فساد مالی و پرداخت رشوه در فرآیند استملاک اراضی چنین بیان می‌دارد:

در بحث کارشناسی فساد بود. کارشناسان را چندین مرتبه جابه‌جا کردند، مدتی کار تملک به دلیل رشوه و فساد مالی متوقف شد وقتی جابه‌جا کردند کارها به روال انجام شد...

خانمی ۷۶ ساله، خانه دار و بیسواد به همراه مردی ۳۹ ساله، کارگر و تحصیلات دیپلم در زمینه پیامدهای منفی اجرای طرح (اختلاف و درگیری خانوادگی و فامیلی) و آسیب‌های اجتماعی چنین عنوان می‌کنند:

پرداخت پول عامل درگیری و اختلاف خانواده‌ها شد. الان خیلی هستند که بین فامیلاش، برادرش، به‌خاطر همین بحث پول وارث و میراث درگیر شده، مثلاً داداش حق خواهر رو نداد، حق داداش رو نداد. توی روستای ما از این موارد هست، هفت هشت ده تا رو من میدونم که هست. که الان هم با هم مشکل دارن. البته خیلی‌ها هم از خودگذشتگی کردن اگر حق خودشون هم مثلاً صد تومن می‌شد هفتاد تومن برداشتن که داداشه و خواهر ناراحت نشه. الان از اهالی کوچری که آمدن شهر

شاید بیست نفر معتاد شدن چون بیکار شدن رفتن سمت مواد، حدود پنج نفر به خاطر مصرف مواد و انجام کار غیر اخلاقی حبس ابد خوردن و الان اصفهان زندان هستن، آقایی که قبلاً سوپر مارکت داشت (به ؟؟؟؟ معروف بود) سر قضیه ارث خواهرشو کشت

کشورز و دامداری ۶۹ ساله و بیسواد در زمینه پیامدهای منفی طولانی شدن فرآیند استملاک و از دست منابع می گوید:

پرداخت خسارت هشت سال طول کشید، اگر قرار بود به کسی پنجاه میلیون خسارت بدهند در پنج مرحله پرداخت می شد با این پول نمی توانست خانه بخرد ماشین می خرید، یا خانه رهن می کرد، پس کسی پولش را نتوانسته کاری کند. مشکل اصلی ما این بود که پول ما را یکجا نمی دادند درخت من را کارشناسی کردند، بعد زمین من را سه چهار سال بعد اعیانی را کارشناسی کردند پول درخت را جدا دادند، پول خود زمین چهار سال سه سال بعد بود دادند خانه ما را سال هشتاد و هشت قیمت کردند اینقدر، سال نود و دو به ما پول دادند چهار سال بعدش، متوجه هستید در این چهار سال کجای ایران ملکش بالا نرفته، می گویم خانه سیصد و پنجاه متری ما، کاهگلی بوده، تیر چوبی بوده ولی در آن ما داشتیم زندگی می کردیم، آمدیم حاشیه شهر دادیم پنجاه و پنج مترخانه، پنجاه و پنج متر کجا، سیصد و پنجاه متر کجا، در یک آپارتمان کوچک خدا گواه است مگر می شود این جور چیزی، ملکها را خریدند جریبی هشت میلیون اینجا جریبی هفتاد میلیون است (اشاره به اراضی حاشیه جاده کوچری به شهرک الوند)

جدول ۷. پیامدهای سیاست پرداخت نقدی خسارت در آزادسازی مخازن سدها

پیامدها	کدهای باز
کاهش تعلقات فرهنگی و سرزمینی و ازهم گسیختگی بافت فرهنگی	از بین رفتن تاریخ و هویت روستا، گسست پیوند بین کوچری و گلپایگان، احساس دلتنگی به زادگاه و سرزمین آباء و اجدادی، جلای وطن، بن کن شدن و دق مرگ شدن (نزدیک پانزده نفر پس از جابه جایی فوت کردند)، از بین رفتن آداب و رسوم سنتی (مراسم و مناسک)، از بین رفتن دانش بومی (طب سنتی و استفاده از گیاهان دارویی منطقه و بهره برداری بهینه از منابع آب)، از بین رفتن احترام به بزرگان، شکسته شدن حرمتها، عدم جایگزینی اماکن مذهبی، غرقاب شدن قبور

سیاست پرداخت نقدی خسارت در آزادسازی ...

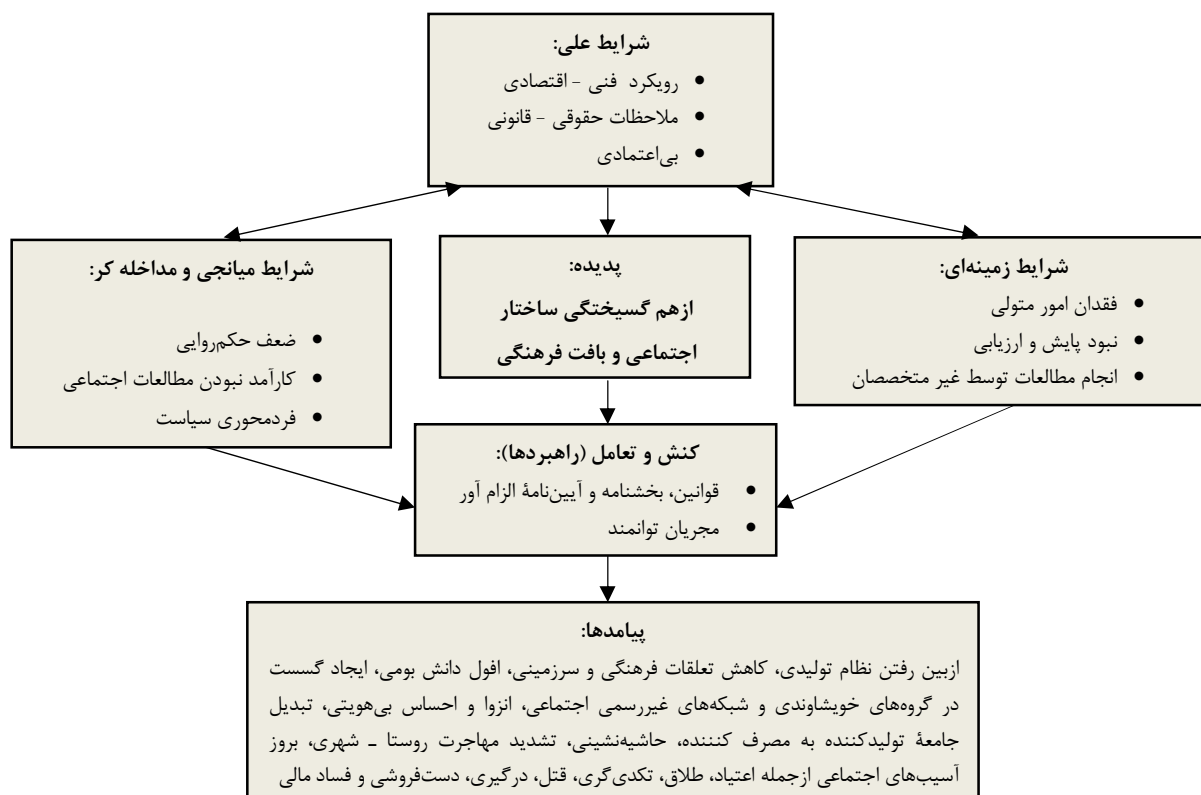
روستا و نیاکان، تضعیف مشارکت مردم در مراسم عروسی و فاتحه‌خوانی، محرومیت و پس‌افتادگی فرهنگی و تضعیف فرهنگ تلاش و کار	
برهم خوردن ارتباطات خانودگی، قطع مراودات اجتماعی، بروز اختلاف بین اهالی روستا، پراکندگی گروه‌های خویشاوندی، اختلاف بین صاحبان اراضی و مستاجران، دو و چند دستگی بین مردم، آوارگی خوش‌نشین‌ها، گسست رابطه فامیلی و کاهش تعاملات و رفت‌وآمد مردم با یکدیگر	ایجاد گسست در گروه‌های خویشاوندی و شبکه‌های غیررسمی اجتماعی
برهم خوردن سامان زندگی، آوارگی مردم محلی، بروز اختلاف بین مردم و خانواده‌های کوچری، ازبین رفتن انسجام مردم، فردگرایی و انزوا، ازهم پاشیدن نظام خانواده، سیطره روابط رسمی بر تعاملات غیررسمی، ازهم پاشیدن نظام ریش‌سفیدی و گداخدمنشی، بی‌خانمانی مستاجران، بی‌سامانی خوش‌نشین‌ها، ازدست دادن تشخص و جایگاه اجتماعی و محدودیت در ارائه امکانات به کوچری طی پانزده سال گذشته و کاهش جمعیت روستا با اجرای طرح، تضعیف تعاملات و کاهش صمیمیت مردم و تبدیل تعاملات به تعارضات	ازهم‌گسیختگی ساختار اجتماعی
ازبین رفتن روحیه همیاری و همدلی به دلیل وجود مشکلات، کم‌رنگ شدن نوع‌دوستی و محدود شدن دستگیری از نیازمندان و مستمندان	کاهش همیاری
ازبین رفتن اراضی کشاورزی، ازبین رفتن اراضی منابع ملی، ازبین رفتن منابع درآمدی دامداری، ازبین رفتن فرصت‌های شغلی وابسته به اراضی کشاورزی (۱۵۷ فرصت شغلی به‌ازای ۴۷۱ هکتار)، ازبین رفتن فرصت‌های شغلی وابسته به اراضی منابع طبیعی (گیاهان دارویی و علف‌های کوهی)، ازبین رفتن زمین‌های اشتغال (زمین کشاورزی و مراتع) کارگران و خوش‌نشین‌ها، تبدیل تولیدکننده به مصرف‌کننده، تبدیل صاحب زمین روستایی به خوش‌نشین شهری و کاهش درآمد (کاهش قدرت خانواده)	فروپاشی اقتصاد محلی و نظام تولید
عدم تحقق وعده‌ها (بی‌توجهی به توافقات، مستندات و صورتجلسات درمورد طرح جایگزین)، جابه‌جایی اجباری بدون برنامه‌ریزی، عدم مساعدت در جابه‌جایی قبور، عدم همکاری ادارات محلی و کارشکنی برخی مسئولان، توسل به زور و قوه قهریه در تخلیه روستا، بی‌توجهی مسئولان قم، بی‌توجهی مراجع، عدم اطلاع‌رسانی به مردم، قیمت‌گذاری غیرمنصفانه، عدم ارائه خدمات زیربنایی شهرک جدید (شهرک کوچری جدید در منطقه رباط زیلیا)، عدم پاسخ‌گویی و مسئولیت‌پذیری، قطع مساعدت‌های نهادهای حمایتی به خانوارهای نیازمند، بی‌توجهی به حقوق عرفی، مشکلات اجتماعی ناشی از اسکان نیروی غیربومی، تصرف اراضی با قوه قهریه و بدون رضایت،	بی‌اعتمادی
تبدیل زندگی سنتی به مدرن (آپارتمان‌نشینی)، مصرف‌گرایی و خانه‌نشینی	تغییر سبک زندگی
اعتیاد، طلاق، تکدی‌گری، قتل، دست‌فروشی، فروش مواد مخدر، دزدی، گدایی، فساد اخلاقی	بروز آسیب‌های اجتماعی

ادعای دریافت خسارت توسط افراد غیرساکن، ازبین رفتن همدلی و صمیمیت، تنش و درگیری بین اعضای خانواده و ایجاد اختلاف بین وراث ساکن و غیرساکن	اختلافات و درگیری خانوادگی
پرداخت رشوه، تخلف در مساحی اراضی، اختلاف در قیمت گذاری اراضی، ترویج دلالی و واسطه‌گری، بروز تخلفات کارشناسی در قیمت گذاری و تغییر تیم کارشناسی (سه مرحله)	فساد مالی
مسدود شدن راه دسترسی به منابع طبیعی، مسدود شدن راه دسترسی به مزارع، واقع شدن بخشی از اراضی در حاشیه مخزن و قطع راه ارتباطی، صعوبت رفت‌وآمد بین روستاهای هم‌جوار و طولانی شدن راه دسترسی	محدودیت در دسترسی
اختلاف بیش از پنج برابری قیمت اراضی در کوچری و مناطق پیرامونی، تفاوت قیمت‌های کارشناسی (برای هر جزیب از ۴ تا ۱۵ میلیون تومان)، تأثیر اجرای طرح بر قیمت منطقه‌ای اراضی و املاک، طولانی شدن فرایند پرداخت پول خسارت (محدودیت بودجه و اعتبارات)، کاهش ارزش پول به دلیل پرداخت خرد خرد (پرداخت خسارت در چندین مرحله)، تقسیم سرمایه بین وراث، عدم مشاوره مالی برای مردم جهت سرمایه‌گذاری، عدم امکان خرید معوض و معادل خسارت دریافتی، تبدیل همه دارایی به پول، تبدیل کل سرمایه به واحد مسکونی، طولانی شدن فرایند واگذاری معوض (زمین کشاورزی و اسکان مجدد)، خرج پول و ازدست دادن سرمایه، کلاهبرداری، فقر و ایجاد بدهی به دلیل ازدست رفتن منابع و احساس غبن و زیان	ازدست دادن سرمایه
وابستگی خوش‌نشین‌ها به ساختار اجتماعی و اقتصادی روستا، ازبین رفتن منابع درآمدی خوش‌نشین‌ها (کشاورزی، دامداری، منابع طبیعی، گیاهان دارویی و سبزی کوهی)، رهاشدگی خوش‌نشین‌ها، پرداخت خسارت ناچیز (خارج از روال قانونی و حدود ۱۵ میلیون تومان)، عدم توانایی خوش‌نشین‌ها برای اجرای عملیات اسکان، عدم هم‌سویی مالکان و خوش‌نشین‌ها، بیکاری، بی‌عاری، بیماری، فقر اجتماعی خوش‌نشین‌ها و تعدد خوش‌نشین‌ها (ابتدا ۲۴ و در انتها بالغ بر ۴۰ نفر)	بی‌سامانی خوش‌نشین‌ها
ازبین رفتن بخشی از سنگ‌نگاره‌های تاریخی (۳۸ مجموعه نقوش صخره‌ای)، غرقاب شدن مکان دارای بار اعتقادی (زیارت پیرعلی)، غرقاب شدن محوطه‌های تاریخی (۱۴ تپه و محوطه)، زیر آب رفتن قبرستان روستا (۴ گورستان)، ازبین رفتن روستای نمونه گردشگری و ازبین رفتن پتانسیل تفریحی و گردشگری	تأثیر بر آثار تاریخی و میراث فرهنگی و گردشگری

کدگذاری گزینشی و ارتباط مقوله‌ها در سیاست پرداخت نقدی خسارت

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد در راستای افزایش اثربخشی سیاست پرداخت نقدی خسارت (در صورتی که گزینه بدیل بوده باشد) لازم است، راهبردهایی مانند ارتقای توانمندی و کارآمدی مجریان طرح‌ها به‌منظور اشرافیت و تسلط آن‌ها به قوانین، آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های مرتبط با موضوع، الزامی شدن تحلیل تأثیرات اجتماعی و فرهنگی طرح‌ها و

ارائه گزارش به مدیران ارشد، رتبه‌بندی مجریان براساس تخصص، تعهد، تجربه و دانش ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. همچنین به‌منظور مدیریت سیاست پرداخت نقدی خسارت در سیاست‌ها، برنامه‌ها، طرح‌ها و پروژه‌ها، ضرورت پایش و ارزیابی تأثیرات اجتماعی و فرهنگی پس از اجرای طرح‌ها، بهره‌گیری از مطالعات انجام‌شده، وضع یا اصلاح قوانین، آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها الزام‌آور از راهبردهای مؤثر در این زمینه هستند. ضعف حکم‌روایی، کارآمد نبودن و بی‌توجهی به نتایج مطالعات اجتماعی و عدم توافق بر سر معنای امر اجتماعی - فرهنگی از شرایط مداخله‌گر و میانجی در زمینه سیاست پرداخت نقدی خسارت هستند. بنابراین، عدم اثربخشی لازم در ارزیابی تأثیرات اجتماعی طرح‌ها و پیچیده بودن امر اجتماعی و فرهنگی و عدم علاقه‌مندی مجریان طرح‌ها جهت ورود به این حوزه و از همه مهم‌تر عدم پاسخ‌گویی و مسئولیت‌ناپذیری متولیان امر نقش کلیدی در عملیاتی شدن موضوع سیاست پرداخت نقدی خسارت داشته است.



شکل ۲. الگوی مفهومی فرایند سیاست پرداخت نقدی خسارت

نتیجه‌گیری

علی‌رغم اینکه پژوهش حاضر برای نخستین بار تأثیرات اجتماعی و فرهنگی سیاست پرداخت نقدی خسارت در آزادسازی مخازن سدها را در دستور کار قرار داده است، اما نگارندگان از نتایج پژوهش‌های مشابه در سطح ملی و بین‌المللی حداکثر بهره‌برداری را به‌عمل آورده‌اند. نتایج بررسی مطالعات انجام‌شده در سطح جهان درمورد پیامدهای اجتماعی سدهای بزرگ، بر روی هزینه‌های اجتماعی سد برای اقشار مختلف جمعیت تحت‌تأثیر پروژه‌های عمرانی به گونه‌ای که به ارتقای کیفیت زندگی آنها بینجامد و از تشدید نابرابری‌های اجتماعی اجتناب کند، متمرکز شده است. بنابراین، حفظ و حمایت از شرایط محیطی و تعلقات مربوطه برای ساکنان و نیز مشارکت دادن آنان در مراحل تصمیم‌گیری، اجرا، نظارت و نگهداری و بهره‌مندی از منابع و تعریف و تعیین سیاست‌ها و راهکارهای عملی، ممانعت از تبدیل آسیب‌های اجتماعی، اهمیت بسیار حیاتی دارند، هر چند که دولت در سطح ملی به این ابعاد به‌دلیل هزینه‌زا بودن و مانع شدن از ساخت سد توجه کم‌تری می‌کند. گفتنی است مطالعات اجتماعی سدسازی هنوز جایگاه واقعی خود را به‌دست نیاورده و در بسیاری از پروژه‌های سدسازی یا چنین تحقیقاتی د نظر گرفته نشده‌اند یا اینکه جایگاهی حاشیه‌ای دارند. مسئله اصلی در بررسی ابعاد اجتماعی فرهنگی پروژه‌های سدسازی در سه دسته کلی طبقه‌بندی می‌شوند. نخست تحقیقاتی است که به پیامدهای سدسازی در بُعد فرهنگ، آداب و ارزش‌های زندگی افراد می‌پردازد. دومین دسته مربوط به تحقیقاتی است که بر معیشت و نظام اقتصادی ساکنان و جابه‌جاشوندگان تأکید می‌کند. دسته سوم شامل تحقیقاتی است که بر لزوم سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری در حوزه پیامدهای فرهنگی سدسازی جهت ایجاد رضایتمندی و بهبود شرایط معیشتی این افراد تأکید می‌کنند.

موضوع توجه به ابعاد اجتماعی و فرهنگی سدها به تأمین اعتبار و بودجه طرح از سازمان‌های بین‌المللی از جمله بانک جهانی، بانک توسعه آسیایی، ... و همچنین ارتباط اثرگذار جوامع محلی و تعامل ذی‌مدخلان مرتبط با طرح ارتباط پیدا می‌کند. اما در ایران به‌دلیل تسلط و چیرگی نگاه فنی و سازه‌ای به موضوع از یک‌سو و عدم اثرگذاری جوامع محلی به‌دلیل عدم آشنایی با قوانین در راستای استیفای حقوق خود، موضوع اثرات اجتماعی و فرهنگی به موضوعی حاشیه‌ای بدل شده، هرچند همین موضوع حاشیه‌ای امروز به‌منزله متن، همه دست‌اندرکاران حوزه سدسازی را با چالش جدی مواجه ساخته است. اگر در جایی هم مسائل اجتماعی و فرهنگی و بحث جابه‌جایی و اسکان موردتوجه قرار گرفته است علائق فردی مجریان طرح‌ها، نفوذ و فشار جوامع محلی و ممانعت از اجرای طرح اثرگذار بوده است.

با استناد به نتایج پژوهش انجام‌شده، اتخاذ رویکرد سیاست پرداخت نقدی خسارت در آزادسازی مخازن سدها پیامدهایی به شرح زیر به همراه داشته است:

▪ پرداخت نقدی خسارت به اراضی و املاک روستاهای متأثر از احداث سد فرصت تولید در منطقه و توسط آبادی را به تهدید (تبدیل تولیدکننده به مصرف‌کننده و ازدست رفتن فرصت اشتغال) بدل کرده است.

▪ با این رویکرد مالکیت و نظام بهره‌برداری دستخوش تغییر اساسی شده و اراضی کشاورزی به پول تبدیل و بین وراثت تقسیم شده است.

▪ تقسیم پول و خسارت پرداختی بین وراثت، بستر اختلافات خانوادگی و اختلافات در بین فامیل رو فراهم کرده و زمینه تنش، درگیری و حتی شکل‌گیری دعوای حقوقی، دادگاهی و زندان را به همراه داشته است.

▪ قیمت‌گذاری پایین و غیرمنصفانه اراضی و املاک (بدون تأثیر اجرای طرح در قیمت‌های معاملاتی منطقه) روستاهای حاشیه مخزن از دیگر موضوعاتی است که مشکلات عدیده‌ای را فراهم ساخته است. بنابراین ساکنان روستاها و مالکان اراضی با دریافت خسارت پرداختی نتوانستند به همان میزان زمین در روستاهای هم‌جوار خریداری کنند، به دلیل کاهش قدرت خرید با مسائل و مشکلات عدیده‌ای مواجه شدند. در این راستا روستاها هم به لحاظ پایداری اجتماعی و فرهنگی و هم به لحاظ منابع معیشتی خانوارها با ریسک و مخاطراتی (فقر، کاهش قدرت خرید، ازدست دادن سرمایه و ...) مواجه شدند.

با توجه به آنچه اشاره شد در حالی سیاست جبران نقدی خسارت به لایحه قانون مصوب سال ۱۳۵۸ ارجاع داده می‌شود که از تاریخ تصویب آن حدود چهار سال گذشته و جامعه ما هم به لحاظ فکری و هم به جهت سبک زندگی و هم از بُعد دسترسی به فضای مجازی و هم از نظر ساختار اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و در نهایت انتظارات متحول شده است. بنابراین استناد به لایحه قانون مصوب سال ۱۳۵۸ امروز نمی‌تواند پاسخ‌گوی نیازهای جامعه کنونی و خواسته‌های به حق مردم و خسارت‌دیدگان از طرح باشد و شاید یکی از انتقادات جدی به حوزه اجتماعی سدها (جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی) ناشی از همین موضوع و رویکرد حاکم باشد. تدوین و اصلاح قوانین، دستورالعمل‌ها، آیین‌نامه و بخشنامه‌ها و الزام‌آور بودن آن‌ها در مورد جابه‌جایی و اسکان مجدد با تأمین منابع معیشت جایگزین می‌تواند مسائل اجتماعی پروژه‌ها را تعدیل کند.

پیشنهادها

پیشنهادهای کاربردی مرتبط با نمونه مورد پژوهش (سد کوچری):

- رفع موانع واگذاری اراضی معوض (۶۴۰ هکتار زمین کشاورزی و ۱۴ هکتار مسکونی) و ارائه تسهیلات توسط ادارات ذیربط؛
- ساماندهی و استقرار روستای جدید کوچری (در منطقه رباط زیلیا)؛
- عملیاتی کردن طرح توسعه گردشگری در حاشیه دریاچه ایجاد شده در اثر احداث سد کوچری؛
- تأسیس موزه مردم‌شناسی، آثار تاریخی و میراث فرهنگی در محدوده سد؛
- ارائه خدمات روان‌شناسی و مددکاری اجتماعی برای خانوارهای آسیب‌دیده (آسیب اجتماعی) و خوش‌نشین‌ها.

پیشنهادهای راهبردی در راستای پایداری اجتماعی و فرهنگی

- لزوم اصلاح قوانین (لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی و املاک برای اجرای برنامه‌های عمومی، عمرانی و نظامی دولت، سال ۱۳۵۸) و لازم‌الاجرا بودن دستورالعمل‌ها و بخشنامه‌های مرتبط با جابه‌جایی و اسکان مجدد؛
- ضرورت تعریف و تعیین متولی پیگیری ابعاد اجتماعی و فرهنگی طرح‌ها؛
- ضرورت پایش و ارزیابی پیامدهای اجتماعی و فرهنگی طرح‌ها (پس از اجرا).

منابع:

- اشتراوس، انسلم؛ کوربین، جولیت (۱۹۹۰) مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمین‌های، ترجمه ابراهیم افشار، تهران: نشر نی.
- برج، ر. ج. (۲۰۰۴) مفاهیم، فرایند و روش‌های ارزیابی تأثیر اجتماعی، ترجمه محمدعلی زکریایی؛ علی حاجلی، تهران: انتشارات جامعه و فرهنگ.
- جهاد دانشگاهی تهران (۱۳۸۲) مطالعات اقتصادی، اجتماعی و طبیعی سد کارون ۳، تهران: شرکت توسعه منابع آب و نیروی ایران، جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران.
- رحمتی، علیرضا؛ نظریان، اصغر (۱۳۸۹) «آثار اقتصادی- اجتماعی و محیط زیستی سکونتگاه‌های مشمول جابه‌جایی ناشی از ایجاد سدها (مطالعه موردی سد گتوند علیا، رودخانه کارون)»، مجله پژوهش‌های محیط زیست، شماره ۲: ۵۳-۶۶.
- شرکت مدیریت منابع آب ایران، ۱۳۹۸.

- علیخواه، ف. (۱۳۹۳) *رویکرد/اجتماع محور در پیاده‌راه‌سازی*، تهران: نشر علوم اجتماعی.
- فاضلی، محمد (۱۳۹۱) *ارزیابی تأثیرات اجتماعی*، تهران: جامعه‌شناسان.
- کدیور، محمدسعید (۱۳۸۶) *سدها و توسعه چارچوب جدیدی برای تصمیم‌گیری*. کمیسیون جهانی سدها، تهران: مؤسسه آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.
- کرسول، جان (۲۰۰۱) *پویش کیفی و طرح پژوهش: انتخاب از میان پنج رویکرد (روایت پژوهی، پدیدارشناسی، نظریه داده‌بنیاد، قوم‌نگاری، مطالعه موردی)*، ترجمه حسن دانایی و حسین کاظمی، تهران: صفار - اشراقی.
- محمدپور، احمد (۱۳۹۰) *روش تحقیق کیفی*، جلد ۱ و ۲ ضد روش، تهران: جامعه‌شناسان.
- نوری ثانی، علی (۱۳۹۰) «اهمیت و نقش مطالعات اجتماعی خسارت مخزن در به‌گزینی رقوم نرمال. مطالعه موردی: سد و نیروگاه سردشت»، *اولین کنفرانس بین‌المللی و سومین کنفرانس ملی سد و نیروگاه‌های برق آبی*، تهران، وزارت نیرو.
- نوری ثانی، علی؛ معصومی، کاوه؛ نجیبی ربیعی، مریم (۱۳۹۱) «پیامدهای اجتماعی بارگذاری‌های صنعتی در اجتماع محلی. مطالعه موردی: پارس جنوبی». دومین همایش ملی پژوهش اجتماعی و فرهنگی در جامعه ایران، تهران: دی‌ماه ۱۳۹۱، انجمن جامعه‌شناسی ایران.
- نوری ثانی، علی؛ نادارلویی، رسول (۱۳۸۶) «مطالعات جابه‌جایی و اسکان مجدد، چالش‌ها و بایدها و نبایدها. مطالعه موردی: مطالعات اجتماعی جابه‌جایی و اسکان مجدد سد لیلان‌چای». دومین کنفرانس ملی سد و نیروگاه‌های برق آبی، تهران، وزارت نیرو.
- Becker, H. A. (2001) "Social impact assessment", *European Journal of Operational Research*, vol. 128, 2, 311-321.
- Burdge, R. (2008) "The focus of impact assessment (and IAIA) must now shift to global climate change!", *Environmental Impact Assessment Review*, 28, 618-622.
- Cernea, M.; Guggenheim, S. E. (1993) *Anthropological Approaches to Resettlement: Theory, Policy and Practice*, Boulder, Westview Press.
- Cernea, M. (1997) *Hydropower Dams and Social Impacts: A Sociological Perspective*, World Bank, Social Policy and Resettlement Division.
- Cernea, M. (1997) *Hydropower Dams and Social Impacts: A Sociological Perspective*, World Bank, Social Policy and Resettlement Division.
- Corbin, J.; Strauss, A. (2008) *Basics of qualitative research* (3rd Ed.), London: Sage Publications.
- Freudenburg, W. R. (1986) "Social Impact Assessment", *Annual Review of Sociology*, 12, 451-478.

- Glaser, B.; Strauss, A. (1967) *Discovery of Grounded Theory: Strategies for Qualitative Research*, Transaction Publishers, U.S. Publisher.
- Gubrium, J.; Holstein, J. (2001) *Handbook of interview research*, London: Sage Publications.
- Guba, E. G.; Lincoln, Y. S. (2005) "Paradigmatic Controversies, Contradictions, and Emerging Confluences", In N. K. Denzin; Y. S. Lincoln (eds.), *Handbook of Qualitative Research*, Third Edition, and Thousand Oaks, CA: Sage.
- Ritchie, J.; Lewis, J. (2005) *Qualitative Research Practice: A Guide for Social Science Students and Researchers*, London: Sage Publication.
- Neuman, L. (2006) *Social Research Methods: Quantitative and Qualitative Approaches*, Fourth Edition, London, Allyn and Bacon.
- Strauss, A. L.; Corbin, J., (1998) *Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Theory*, 2nd ed., Sage, Thousand Oaks, CA.
- Vanclay, F.; Esteves, A. M. (2011) *New Directions in Social Impact Assessment*, Edward Elgar Publishing.
- World Commission on Dams (WCD) (2010) *Dams and Development: A New Framework for Decision-Making*; Earthscan, London.